

درمی آورند.

جالب تر آنکه داستان به همین جا ختم نمی شود و تا شب هم، اوضاع بر همین چرخ می چرخد و همه همین طور می دوند و می دوند، انگار که این مسابقه دو تمامی ندارد. راستی این همه هیاهو و التهاب برای چیست؟ البته حتماً شما هم به ضرورت و اهمیت تلاش برای معاش و کسب رزق و درآمد حلال معتقد هستید، ولی آنچه که به نظر می رسد در این میان به مرخصی اجباری فرستاده شده، اعتدال در عمل و رعایت قدر و اندازه این دغدغه هاست. با همین تفکر و در نگاه درون خانه ای، میزان توجه و پرداختن به امور خانواده و اهل و عیال مسئله ای بسیار مهم و اساسی است که اگر چه وظیفه و واجب است اما در بسیاری از موارد حد و مرز آن به دامن افراط می افتد. در زندگی ما گاهی اوقات چنان این دل مشغولی ها جدی گرفته می شوند و ما را گرفتار خود می کنند که حتی از بسیاری از امور واجب و وظایف و تکالیف شرعی هم بازمان می دارند.

واضح و آشکار است که ما قرار نیست به جای حضرت حق بنشینیم تا برای همسر و فرزندان خود حرص و جوش بخوریم (معاذالله). همان خالق رزاق و مهربانی که تکتک ما را پرورش داده و در برآوردن نیازهای مختلف ما کم نگذاشته، قطعاً هوای بقیه خلائق و از جمله اهل و عیال ما را هم خواهد داشت.

اگر حواسمان جمع نباشد، گیر افتادن در هزارتوی گرفتاری ها و مشغله های دنیا، آن قدر اسیرمان می کند که دیگر جان و مجالی برای امور علمی و مسائل معنوی باقی نمی ماند.

تک خوشه

اتمام مهلت ...

• ناهید باباشاهی

آخرین بار... آخرین جلسه ... آخرین نوشته ...

آخرین دیدار

حس رسیدن به آخرین، حس نزدیک شدن امتحان و وقت عمل، حس افزایش لحظه ای اپی نفرین، اینها همه حس مشترکی است بنابر فطرت همه ما انسان ها در لحظات اتمام مهلت و رسیدن اجل.

خیلی که دنیا را تحویل بگیریم، کاروانسرای است خوش رنگ و لعاب که وسوسه های ریز و درشتش تمامی ندارد. دنیا توقف گاهی است موقت که اجل آن به همین زودی ها سر می آید اما هرچه که باشد، برنامه سفر ابدی همین جا بسته می شود و زاد و توشه دیار آخرت از همین جا جمع و جور می شود .

اگر زرنگ باشیم، تا وقت هست و کوس رحلت نواخته نشده، برنامه ای می نویسیم و طرحی نو درمی اندازیم که تکلیفمان را در دنیا و افقمان را در آخرت روشن کند.

بدون برنامه، سرنوشتی جز روزمرگی و روزمرگی و درجا زدن انتظارمان را نمی کشد. شناخت استعدادها، پرورش توانمندی ها، و رفع ضعفها و ناکارآمدی ها، در برنامه رشد معنوی، نقش جدی دارد. داشتن شوق، علاقه و رغبت به کسب علم و انجام امور خیر یکی از شاخصه های رشد معنوی است که لازم است مرتباً مورد ارزیابی قرار گیرد که اگر این اتفاق خوب در زندگی ما رخ بدهد، ترس از مرگ و حیات اخروی جای خود را به اشتیاق و توجه به مرگ و زندگی ابدی می دهد.

یادش بخیر! شهید محمد عمیدی مردی از مردان قبیله توحید را که چون شیپور جنگ و جهاد نواخته شد، همه جاذبه های دل فریب دنیا و دلبستگی به زن و پنج فرزند خردسالش، حریف انجام تکلیفش نشد و در وسط معرکه، درست همان جا که آسمان به زمین دوخته می شود، ملکوتی شد تا حسرت بودنش برای زمینیان بماند.

راهش رفتنی و مرامش ماندنی باد

اگر نگاهت را از همان ابتدا به آخرین ها پرواز

دهی افقت تا دوردست ها می رود، می رود تا بی نهایت. با وسعت بیشتر می بیند، کمی ها و کاستی ها را می بیند. وقتی می دانی که همیشه اینجا نیستی، همیشه این فرصت نیست و روزی فرصت نوشتنت، شنیدنت، بودن و عمل کردنت تمام می شود، آن وقت هر لحظه حکم بهترین فرصت را برای تو پیدا می کند. آن وقت هر نوشته ات حکم آخرین تیر اسلحه می شود. "نگاه عاقبت نگرانه" تو را به محاسبه و میدان عمل

می کشاند. نگاهت را که به آخرین ها پرواز می دهی از هر لحظه برای افزایش توان استفاده می کنی و تمام تلاشت را برای پیوستن به این جریان به کار می بندی ... همان جریان قیام "اذا قام قائمنا، اذهب الله عزوجل عن شیعتنا العاهة، و جعل قلوبهم کزبر الحديد، و جعل قوة رجل منهم قوة اربعین رجلا، و یكونون حکام الارض و سنامها" که حاصل نمی شود مگر با نگاه های عاقبت نگرانه که عمل عاقبت نگرانه شان جریان مجاهده را بر پیکره هستی چشانده است.

۱. سوختن، از گردان سلمان فارسی، آیلا صدق آراء

در تارنمای کاشف بخوانید!

صاحب امتیاز: احمد رضا اخوت

مدیر مسئول: فاطمه قنبریان

سر دبیر: نعیمه پور صالحی

هیأت تحریریه: دانشجویان مدرسه قرآن و عترت (علیهم السلام) (کاشفیون)

حضرت صادق (علیه السلام) فرموده:

مؤمن رشید خاندانش می باشد و بر اعمال و امور زندگی آنرا اگر کسی می داند که فرموده همه اشیاء و حتی حشرات الارض هم در برابر ای خادع می باشند درنگان زمین و پرندگان در آرزوی احترام می کنند

لله و کثر وجهه الیه و اکثر طهار الاطراف ص ۷۶

هفته‌نامهٔ فرهنگی، خبری مدرسهٔ دانشجویی قرآن و عترت

کاشت دانستگاه تهران

به نام ســـلام

تدارکات در جهاد نرم!

•کاظم رجبعلی

بیست و شش، هفت سال بیشتر نداشت و مسؤول اعزام نیروی به جبهه‌ها، حداقل در دو یا سه استان، بود. کُلی پشت سرش حرف بود و پدر و مادرهای بسیاری بودند که از ارتباط فرزندان‌شان با او می‌ترسیدند.روح لطیف‌ومهربانی داشت‌و آدم‌های خودش را هم به واسطه این لطافت و از مسجدها انتخاب می‌کرد مثل آهن‌ربای قوی قدرت جذب هر کسی را داشت. یکی از شگردهای او بردن بچه‌ها به کوه‌بود‌آن‌هم‌باطرافت‌هاو‌برنامه‌چینی‌های‌خاصی که حاصل‌ش فهم و بلوغ و بیرون آوردن بچه ها از عوالم کودکانه بود. خودش به تنهایی یک رود بود و

پیش‌خوان

تعطیلات اجباری

خوشه چینان

اینجا خط مقدم...

از گردان ادبی امام سجاد (علیه‌السلام)

•نجمه پورصالحی

وقتی می‌خواهم یک کاری را انجام دهم، همه‌اش می‌گویم اصلا این کار درست است یا نه؟!

وقتی می‌خواهم به نتیجه برسم و نزدیکش هستم می‌گویم با یک گل که بهار نمی‌شود!

وقتی می‌ترسم که در روابطم با مردم به سختی بیفتم می‌گویم خواهی نشوی رسوا، همرنگ جماعت شو!

اشتباه نیامده‌اید اینجا هنوز گردان ادبی امام سجاد (علیه‌السلام) است.

صحنه نبرد با وسوسه‌های شیطانی؛ وسوسه‌هایی که ظاهر منطقی اما باطن بی‌اساسی دارند.

حتی وقتی قرار است کتابچه سوره ناس را هم بنویسیم باز سر و کله شیطان پیدا می‌شود. تمام تلاش‌ش را می‌کند که کتابچه سوره ناس را هم عقب بیندازد!

حالا که او عقب‌نشینی نمی‌کند، ما که به هیچ وجه..

چاره کار یک التجاء است؛ پناه بردن.

کاشف

سوره مبارکه ناس

• آسیه نیک‌صفت

هر جا که می‌آمد و پا می‌گذاشت، جریانی انسانی

راه‌می‌افتادو همین باعث حساسیت‌های حسودان بسیاری می‌شد و همراه سرو صدا و نشاطی که در بقیه به وجود می‌آورد، خیلی‌ها هم حال بدی پیدا می‌کردند.عبدالعلی که‌بعدها‌به‌شهادت‌رسید،مثل نه‌ری از بهشت بود که گاهی اعمال و رفتارهای او حکم آب را داشت؛ حیات‌بخش بود و برطرف‌کننده عطش و البته باعث شوره زدن عده‌ای که چشم دیدن او را نداشتند. برخی از رفتارها و حرف‌های او، به‌ویژه مواقعی که مثلاً تحلیل سیاسی می‌کرد حکم لَبَن و شیر را داشت که خوراک افراد را تأمین می‌کرد و برطرف کردن سوء تغذیه را در پی داشت. اداها و خوشمزگی‌ها و بگو و بخندهای او و حرف‌های پر از احساس و شیرین‌ش در حکم خَمَر و شرابی بود که برای کسانی که از آن می‌نوشیدند، لذت و مستی

سه شنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۱ سال دوم ۴۷ جمادی‌الثانی۱۴۳۲ شماره

فوق تصور به وجود می‌آورد. یک مستی معنوی و پر از احساس. کلمات عبدالعلی گاهی شربتی از عسل بود که شفای دل‌های زخم خورده محسوب می‌شد و اثر طبابت داشت. عبدالعلی نه فقط مسؤول اعزام نیرو به جبهه‌ها بلکه محمل تولید تدارکاتی بهشتی اعم از آب و غذا و دارو و نشاط یک جبهه بود. ضعف و سستی در او راه نداشت، حکومت می‌کرد بر دل‌های فراوانی از بچه‌های مسجد و قدرتی داشت بیش از قدرت چهل مرد با دلی که در استواری همچون پاره‌های آهن بود.

امام سجاد (علیه‌السلام) فرمود: «اذا قام قائمنا اذهب الله عِزَّوَجُلِّعَن شیعتنا العاهة وجعل قلوبهم کزیر الحديد و جعل قوَّة رجل منهم قوَّة اربعین رجلاً و یكونون حکام الارض و سنامها»

مشکاة الأُنوار، ص۷۹

در خبر است که کلاس‌ها و جلساتی که در محل مدرسه قرآن تشکیل می‌گردند، از دیروز (دوشنبه ۲۵ اردیبهشت ۹۱) به مدت یک هفته تعطیل است. علت این تعطیلات اجباری تعمیرات مدرسه اعلام شده است.

• جواد مذهب‌چی

این صحنه نبرد تنها راه شکست‌ش تاخیر است. پس ما دقیقاً همین کار رانمی‌کنیم!

وسوسه یعنی همان فکرهایی که در ذهن‌مان پیاده‌روی می‌کنند. همان‌ها که دائم در بایدی کتابچه و نبایدی تنبلی و کم‌کاری، نُویز ایجاد می‌کنند! وسوسه یعنی القائاتی که هست‌ها را نیست و نیست‌ها را هست نشان می‌دهند.

وقتی می‌خواهم یک کاری را انجام دهم که می‌دانم درست است، دیگر به هیچ جنبه و حرف و اِن‌قلت دیگری فکر نمی‌کنم!

وقتی می‌خواهم به نتیجه برسم و نزدیکش هستم می‌گویم با همین یک کار زمینه همه خوبی‌ها در عالم ایجاد می‌شود چون یک گل حتما نشانه بهار است!

وقتی می‌خواهم با مردم ارتباط خوب و آسانی داشته باشم، فکر می‌کنم که کدام رفتار و باور منطقی و عقلی است همان بهترین ارتباط با مردم است.

پس من...ما، دچار وسوسه نمی‌شویم!

اینجا خط مقدم... گردان ادبی امام سجاد (علیه‌السلام)!

بسم الله

فرصت‌های کوچک، هم می‌توانند زمینه کارهای خیر بزرگ باشند، هم زمینه کارهای شر بزرگ.

فرصت‌های کوچک را کوچک نبینیم!

هفته‌نامهٔ فرهنگی، خبری مدرسهٔ دانشجویی قرآن و عترت

کاشت دانستگاه تهران

پشت پنجره

مآئده؛ سوره احکام، عقدها و میثاق‌ها

کلاس ختم مفهومی قرآن استاد اخوت، شنبه‌ها، سوره مبارکه مائده

• فهیمه جوادی

در هر یک از سوره‌های قرآن، یک موضوع یا مفهوم محوری وجود دارد که موضوعات دیگر پیرامون آن مطرح شده است. با تسامح می‌توان گفت این موضوع محوری، همان غرض سوره است که موضوعات و مفاهیم دیگر به نسبت با آن مطرح شده است.

یکی از موضوعات محوری سوره مبارکه مائده، موضوع حکم است. حکم گزاره‌ای است که در خود باید و نباید دارد. این سوره مبارکه، به احکام از حیث عقده‌بودنشان نگاه‌می‌کند.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُم بَهِيمَةُ الْأَنْعَمِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرِ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ» آیه ۱ سوره مبارکه مائده.

وفای به عقود، پایه ها و ستون‌های جامعه را استوار می‌سازد و یکی از عوامل اصلی ادامه حیات جامعه است.

وفای به عقود، مستلزم شناسایی مصادیق نعمت و شناخت رویکرد توحیدی در برخورد بانعمت‌هاست.

انسان موحد، انسانی است که تمامی باید‌ها و نبایدهای کلی و جزئی حیاتش را، احکام الهی مشخص نماید. انسان موحد میان احکام الهی، تمایز قائل نمی‌شودو آنها را بر اساس وظیفه و عبودیت انجام می‌دهد و نه بر اساس میل شخصی‌اش. از آنجا که کیفیت و ادامه حیات هر فرد و جامعه‌ای، بستگی به عمل به احکام و باید و نبایدها دارد، آنکه از احکام الهی، سر باز می‌زند، تحت سیطره و ولایت احکام غیرالهی و مشرکانه قرار می‌گیرد، به عبارت دیگر، به اندازه‌ای که در اجرای احکام الهی، سستی و کوتاهی صورت گیرد، باید‌ها و نبایدهای غیرالهی و کفرآلود، مجال برای ظهور پیدامی‌کنند.

کلام آخر اینکه، اجرای احکام الهی، یعنی توجه به میثاق با رسول.

خانوادگانه

کاروان سرا

برداشتی از جلسات خانوادگی مدرسه قرآن، چهارشنبه‌ها

• جواد مذهب‌چی

<div><div> </div></div>	<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>	<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>	<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>	<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>	<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>	<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>	<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>	<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>	<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>	<div><div> </div></div>

امیرالمومنین (علیه‌السلام): (به برخی از یاران خود فرمود) بیشتر مشغولیت را به همسر و فرزندان‌ت قرار مده زیرا که اگر همسر و فرزندان‌ت دوستان خدا باشند خداوند دوستانش را ضایع نمی‌گذارد و اگر دشمنان خدا باشند چرا تو باید به دشمنان خدا مشغول باشی.

نهج البلاغه، حکمت ۳۵۲

سه شنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۱ سال دوم ۴۷ جمادی‌الثانی۱۴۳۲ شماره

سلاح «لاحول ولاقوه الا بالله» در میدان

نبرد با ناملایمات

بررسی نکات و دقایقی از سیره رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله)،

کلاس استاد رحیمی، یکشنبه‌ها

• آتنا رمضان

حضرت رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) چنان بود که اگر مسرور و راضی می‌شد مسرت و رضایتش بهترین مسرت‌ها و رضایت‌ها بود، اگر موعظه می‌کرد موعظه‌اش جدی بود نه به شوخی، اگر غضب می‌کرد و البته جز برای خدا غضب نمی‌کرد، هیچ چیزی تاب مقاومت در برابر غضبش را نداشت، وقتی هم که به مصیبتی و یا به ناملایمی برمی‌خورد امر را به خدا واگذار می‌کرد، و از حول و قوه خویش تبری می‌جست و از خدا راه چاره می‌خواست.

لازم به ذکر است معانی توکل بر خدا و تفویض امر به او و تبری از حول و قوه خویشتن و راه چاره از خدا خواستن همه به هم مربوط و برگشت همه آنها به يك اصل است و آن این است که برای امور استنادی است به اراده الهی که غالب بر هر اراده دیگری است و هرگز مغلوب نمی‌شود و قدرت الهی که مافوق هر قدرت و غیر متناهی است، و این خود معنا و حقیقتی است که کتاب خدا و سنت رسول گرامی‌ش متفقاً مردم را به اعتقاد بر آن و عمل بر طبق آن دعوت کرده‌اند.

متخلّق به این خلق‌ها و متأدّب به این آداب شدن، آدمی را در مسیر حقایق و واقعیات قرار داده و عملش را منطبق بر وجهی می‌سازد که بر حسب واقع باید آن طور واقع شود، لذا آدمی را مستقر در دین فطرت می‌کند و این معنا را خاطر نشان می‌سازد که حقیقت هر چیزی و نشانه حقیقت بودن آن برگشت حقیقی آن است به خدای سبحان، کماینکه خود فرمود: «أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ» «شوری ۵۲» علاوه بر این، فائده مهم دیگری نیز دارد، و آن این است که اتکاء و اعتماد انسان بر پروردگاری است که دارای قدرتی غیر متناهی و اراده‌ای غیر مغلوب است، در نتیجه اراده و عزم انسان را چنان راسخ می‌گرداند که موانع در او رخنه نکرده و رنج و تعبى که در راه رسیدن به هدف می‌بیند خللی در او وارد نمی‌سازد و هیچ تسویل نفسانی و وسوسه شیطانی که بصورت خطوره‌ای وهمی در ضمیر انسان خودنمایی می‌کند آن را از بین نمی‌برد.

یا أَرَأَاف من کل رُؤوف

صبح اول وقت، وقتی از خانه بیرون می‌زنی، توی کوچه چندان خبری نیست، صدای جیك جیك چند گنجشك سحرخیز، پیچش باد در لابه‌لای شاخه‌های سبز درخت جلوی در و رایحه دلچسب و دوست‌داشتنی یاس که از سر دیوار خانه همسایه، سرک کشیده‌اند، اگر هنوز چیزی از بهار باقی مانده باشد.

پیرمردی عصازنان، نان سنگك برای خانواده می‌برد و مادری که دست کودک خواب‌آلودش را سفت چسبیده است و هر چند قدم يك بار به او یادآوری می‌کند که سریع‌تر بیاید مبادا که مدرسه‌اش دیر شود.

همه چیز آرام و خوب است، امّا به محض اینکه پای بر کف خیابان اصلی می‌گذاری، يك دفعه همه چیز عوض می‌شود، یکی دنبال تاکسی می‌دود، ایستگاه اتوبوس هم مثل صف محشر شلوغ است. سر چهارراه پشت چراغ قرمز همه بی‌صبرند تا آنجا که تلافی همه بی‌قراریهایشان را سر بوق بیچاره